

ساختار سیاسی قاجاریه و سرنوشت پروژه اصلاحات و نوسازی

۶ تیر ۱۴۰۱ ساعت ۲۱:۲۸

بعد از مشروطه نیز علی رغم استقرار برخی نمادهای دموکراسی مانند مجلس شورای ملی، ساختار سیاسی ایران به صورت استبدادی باقی ماند. در چنین ساختاری نخبگان یا فرصت ابراز عقیده نمی یافتند یا صرفاً مجری دستورات شاه بوده و حتی برنامه های ابتکاری خود را به وکالت از سوی شاه اجرا می کردند. آنان خارج از آنچه توسط اراده شاه معین می شد اختیاری نداشتند. موقعیت نخبگی آنها امتیازی بود که شاه به این افراد اعطاء کرده بود و هر لحظه می توانست این امتیاز را سلب و به دیگران اعطاء نماید.

ماهیت استبدادی قاجاریه و عملکرد نخبگان سیاسی

در عصر قاجار قدرت شاه متمرکز بود و شاه به عنوان بالاترین مقام سیاسی بدون نظارت هیچ نهاد اجتماعی به اعمال قدرت می پرداخت. تا زمان اعلام نظام مشروطه سلطنتی در ایران یعنی در سال ۱۹۰۶ م / ۱۲۸۵ شمسی، شاه به تنهایی قانونگذار، بالاترین مقام قضایی، فرمانده کل نیروهای مسلح و مستبدی بود که دستگاه دولتی را بدون حد و مرز و قید شرط در اختیار داشت و بر جان و مال مردم تسلط داشت. ۱ بعد از مشروطه نیز علی رغم استقرار برخی نمادهای دموکراسی مانند مجلس شورای ملی، ساختار سیاسی ایران به صورت استبدادی باقی ماند. در چنین ساختاری نخبگان یا فرصت ابراز عقیده نمی یافتند یا صرفاً مجری دستورات شاه بوده و حتی برنامه های ابتکاری خود را به وکالت از سوی شاه اجرا می کردند. آنان خارج از آنچه توسط اراده شاه معین می شد اختیاری نداشتند. موقعیت نخبگی آنها امتیازی بود که شاه به این افراد اعطاء کرده بود و هر لحظه می توانست این امتیاز را سلب و به دیگران اعطاء نماید. همه مردم از پایین ترین طبقات تا صدراعظم که شخص دوم مملکت بود، نوکر شاه محسوب می شدند و وظیفه آنان نه آبادانی کشور بلکه انجام وظیفه نوکری بود. ۲ سپهسالار صدراعظم اصلاح طلب ناصرالدین شاه زمانی نگران بدگویی مخالفان از خود نزد شاه بود ناصرالدین شاه برای رفع این سوء تفاهم متنی را خطاب به صدراعظم خود نوشته که حاوی نکات جالبی است.

وی می گوید: «اگر فلانی بسیار حرفها شنیده است یا نشنیده است چه دخلی به عالم، من و شما دارد که دست و دل شما از نوکری سرد بشود.... خاطر جمع باشید و هرگز خاطر خود را به این حرفها مکدر نکنید. من پس فردا انشاءالله به فرنگستان می خواهم بروم. مثل شما نوکری را باید از چوب بتراشم و در غیاب خود در مملکت بگذارم. من نوکر خوب را که به کار امروزه دولت بخورد از همه چیز دنیا بهتر می دانم و چهاردستی او را نگاه می دارم. می دانید که در ایران نوکر نمانده است یک دو تا هم مثل شما پیدا شود به حرف مردمان پوچ و بی معنی چطور می شود در حق او بی التفاتی شود. یقین است شما در نوکری خود حقیقتاً مثل

ندارد. ۳»



شاه در این نامه پنج بار جایگاه نوکری را به صدراعظم خود یادآوری می کند. صدراعظمی که شخص دوم مملکت است و به قول شاه در کشور فردی مانند او پیدا نمی شود. این رابطه ارباب-نوکری چهارچوب و خطوط قرمز نوسازی را تعیین می کند. لذا توسعه باید با حفظ اختیارات بی حد و حصر شاه که خود مهم ترین مانع توسعه است صورت گیرد. شاهان قاجار همچنین به عنوان ظل الله مالک الرقاب و رعیت پناه، سلطه عظیمی بر جان و مال و ناموس مردم داشتند. آنان مالکیت کل اراضی را از آن خود می دانستند. در اعطای مزایا و واگذاری امتیازات و انحصارات اختیار مطلق داشتند. حرف خود را مادام که علناً با شرع اسلامی مغایرتی نداشت قانون می دانستند. به گفته یک وقایع نویس عقلاً می دانند که اگر کسی مخالف نظر شاه نظر دهد خودش هدر است. ۴

بدین گونه توان و نیروی نخبگان نوساز در مواجهه با مخالفان توسعه و پیشرفت به راحتی خنثی می گردید. شاهان قاجار که قدرت بلامنازع و بی حد و حصری داشتند به دلایل گوناگون نسبت به آبادانی کشور بی تفاوت بوده و در برخی مواقع حتی از پیشرفت و ترقی کشور جلوگیری می کردند. شاهان قاجار موقعیت سیاسی خود را مرهون شمشیر آقا محمدخان می دانستند و حکومت نزد آنان غنیمت پیروزی بر سایر اقوام بود. بنابراین تلاش برای توسعه کشور را وظیفه خود نمی دانستند. قدرت شمشیر و استفاده از مبنای مشروعیت ظل اللهی، ناآگاهی مردم و پراکندگی آنان، استمرار حکومت قاجار را تضمین می کرد. بنابراین برای ادامه حکمرانی به جلب رضایت توده ها و خدمت رسانی به آنها از طریق توسعه و آبادانی کشور نیازمند نبودند. بررسی سفرنامه مظفرالدین شاه به کشورهای اروپایی نشان می دهد که شاه قاجار در این سفر کمترین توجهی به پیشرفت و آبادانی اروپا و استفاده و بکارگیری از آن نداشته است. درسالهای قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم که اروپا به سرعت در حال تحول بود، آنچه توجه فرمانروای تاجدار ما را به خود جلب می کند زرق و برق اروپا و امکانات تفریحی آن است و مهمترین دغدغه او در این سفر خوب خوابیدن است. چنانکه در سفرنامه خود بارها از عبارتی نظیر «صبح از خواب بیدار شدیم»، «دیشب درست خوابمان نبرد»، «بعد از

اتمام روضه خوابیدم»؛ ۵ توجه شاه قاجار به خوابیدن به گونه ای است که گویی برای خوابیدن به اروپا رفته بود. در طول این سفر آنچه برای شاه اهمیت نداشته استفاده از تجارب کشورهای توسعه یافته و رایزنی پیرامون انتقال تکنولوژی و استفاده ایرانیان از فنون و مهارتهای این کشورهاست. تنها موردی که به آموزش فنون جدید اشاره شده آموزش عکاسی است که شخص شاه به آن علاقه زیادی داشت. بنابراین در دوره قاجار یکی از عوامل اصلی عقب ماندگی نبود اراده لازم برای توسعه بود. نخواستن بخشی از نخبگان مانند شاه، در نتوانستن سایر نخبگان مانند امیرکبیر نقش عمده ای داشت. در اینجا ذکر این نکته لازم است که استبداد شاهان قاجار در عمل توسط عواملی مانند مخالفت نیروهای مذهبی محدود و مهار می گردید. از سوی دیگر شاهان قاجار از ابزار لازم جهت اجرای فرامین خود برخوردار نبودند؛ لذا حتی در مواردی که آنان در چهارچوب نظام پادشاهی خواهان تغییر وضع موجود بودند؛ مانند اصلاحات ناصرالدین شاه نیز توان تحقق مقاصد خویش را نداشتند.



آبراهامیان می گوید: «قاجارها ظل الله هایی بودند که حیطة قدرتشان اغلب از پایتخت فراتر نمی رفت. پادشاهانی که خود را نمایندگان خدا در زمین می دانستند اما به دیده رهبران مذهبی غاصبان قدرت الهی بودند. فرمانروایانی که پایه های تختشان را مقدس می دانستند اما برای اجرا و تنفیذ اراده خود وسیله ای نداشتند. شاهنشاهانی که نه تنها بر خلاف ادعایشان به شاهان دیگر فرمان نمی راندند، بلکه توسط شاهان کوچک مانند روسای قبایل، زعمای قوم و رهبران مذهبی و بنابر این بنا به خوشایند آنان حکومت می کردند. شاهان در حرف قادر مطلق بودند اما در عمل توان سیاسی نداشتند.» ۶ علاوه بر آن فقدان اراده لازم برای توسعه و نوع نظام استبدادی، ناتوانی و ضعف مدیریت شاهان قاجار نیز یک از موانع توسعه کشور بوده است. همچنین فقدان استقلال سیاسی کشور نیز تبعات نامطلوبی بر روند توسعه کشور داشت.



در ماجرای مورگان شوستر ایران جهت بهبود اوضاع اقتصادی و سروسامان دادن به امور مالیاتی، شانزده کارشناس مالی امریکایی را به ریاست مورگان شوستر استخدام نمود. شوستر که بعد از مدتی خزانه دار کل ایران شده بود در برابر روسیه و انگلستان موضع گیری کرد و عناصر مترقی مجلس را به سوی خود جلب نمود. از سوی دیگر بسیاری از شاهزادگان ذی نفوذ به مخالفت با وی پرداختند. روسیه با پیشنهاد شوستر مبنی بر تشکیل پلیس مستقل خزانه داری مخالف بود؛ با تشدید تنش میان شوستر و روسیه نیروی قزاق با پلیس خزانه داری شوستر درگیر شد و سرانجام روسیه خواستار عزل و اخراج شوستر گردید. مجلس یکپارچه با این پیشنهاد مخالفت نمود؛ اما کابینه تمایل داشت اولتیماتوم را بپذیرد با نزدیک شدن نیروهای روسیه به تهران و بالا گرفتن بحران، شورای نیابت سلطنت مجلس را منحل نمود و اولتیماتوم روسیه پذیرفته شد و سپس مورگان شوستر و هیئت همراهش ایران را ترک نمودند. و این نمونه ای آشکار و روشن از دخالت استعمار و ایادی وابسته به آن جهت جلوگیری از توسعه سیاسی و اقتصادی ایران بود. ۷.

پی نوشتها:

۱. شاپور رواسانی، دولت و حکومت در ایران، تهران، نشر شمع، بیتا، ص ۷۵
۲. حسین شیخ زاده، نخبگان و توسعه ایران، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۵، ص ۴۸
۳. فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۱، ص ۲۴۳-۲۴۴
۴. یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند و محسن مدیرشانه چی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۸ ص ۴۴
۵. ابراهیم برزگر، «روانشناسی مظفرالدین شاه»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، س نوزدهم، ش اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۸۳،

۶. آبراهامیان، پیشین، ص ۳۷

۷. جان فوران، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۳، صص ۲۶۶-۲۶۷

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/48786/ساختمان-سیاسی-فاجاریه-سرنوشت-اصلاحات-پروژه-نوسازی>